یادداشت روز

نمایندگان عزیز! ناظر امروز، قاضی فرداست

۱- گفته‌اند که «در مثل مناقشه نیست» و راست گفته‌اند چرا که مَثَل برای تقریب ذهن است. مثلاً وقتی گفته می‌شود شکل قله دماوند شبیه کله قند است، نباید تصور کرد که خاک آن مثل قند شیرین است! و یا اندازه آن به کوچکی کله قند است! و... با این توضیح ضروری به سراغ یک رخداد تاریخی می‌رویم.

وقتی ابن‌زیاد با حیله و ترفند از سپاه شام (که ادعا می‌کرد در راه است! و دروغ می‌گفت) مردم کوفه را ترساند، جماعت عهدشکن کوفه آن روز، اطراف حضرت مسلم، فرستاده امام حسین علیه‌السلام را خالی کردند و به ابن‌زیاد پیوستند. ابن‌زیاد بعد از استقرار، «هانی بن عروه» از یاران باوفا و صدیق امیرالمؤمنین علیه‌السلام را که به حمایت از جناب مسلم برخاسته و در حمایت خود پابرجا مانده بود، به زندان افکند. هانی از بزرگان مورد احترام مردم کوفه بود و در میان قوم و قبیله خود (قبیله مَذحِج) ریاست و سروری داشت. افراد قبیله هانی که مردانی شجاع و جنگاور بودند، قصر محل استقرار ابن‌زیاد را محاصره کردند و امیر قوم خود را طلبیدند. ابن‌زیاد که به وحشت افتاده و می‌دانست اگر آن جماعت به قصر حمله کنند، دودمانش را بر باد خواهند داد، به شریح قاضی گفت بر بام قصر برود و جمعیت را با لطایف‌الحیل دور کند. در آن هنگام جناب هانی بر اثر شکنجه سر و دست شکسته و خونین بود. شریح روی بام رفت و به مردان قوم هانی گفت: امیر شما، هانی بن عروه میهمان ابن‌زیاد است و اکنون به مشاوره با او مشغول است! قوم هانی صحنه را با خشنودی ترک کردند و... ابن‌زیاد بعد از استحکام پایه‌های قدرت خود، هانی بن عروه، یار باوفای امیرالمؤمنین(ع) و جنگجوی پا به رکاب آن حضرت را به شکل فجیعی شهید کرد...

۲- اکنون این پرسش در میان است که افراد قبیله هانی، چرا ادعای «شریح» را باور کردند؟! چرا در گفته او تردید نکردند؟! پاسخ آن است که مردم شریح را با عنوان قاضی دوران زعامت علی(ع) می‌شناختند. انگار بر فراز سر او یک تابلوی فرضی (بخوانید مجازی) نصب شده و روی آن درباره هویت شریح نوشته شده بود «قاضی دوران امیرالمؤمنین علیه‌السلام»! قوم هانی فریب آن تابلو را خورده بودند و اگر چنین نبود و هویت تغییر یافته و استحاله شده آن روز شریح را می‌دانستند، به قصر حمله می‌کردند و به قول حضرت آقا: «آنها می‌ریختند و هانی را نجات می‌دادند. با نجات هانی هم قدرت پیدا می‌کردند، روحیه می‌یافتند، دارالاماره را محاصره می‌کردند، عبیدالله را می‌گرفتند؛ یا می‌کشتند و یا می‌فرستادند می‌رفت. آن‌گاه کوفه از آن امام حسین علیه‌السّلام می‌شد و دیگر واقعه کربلا اتّفاق نمی‌افتاد». آیا قوم هانی برای پی بردن به خیانت شریح (یکی از خواص آلوده آن روزها) و کشف هویت واقعی او هیچ نشانه‌ای در اختیار نداشتند؟! داشتند. بخوانید!

۳- در جریان فتنه ۸۸ که به گواهی اسناد موجود، مثلث آمریکا و اسرائیل و انگلیس، مدیریت آن را برعهده داشتند و دستورات خود را به سران فتنه دیکته می‌کردند، نیز رخدادی شبیه ماجرای استفاده ابن‌زیاد از شریح قاضی اتفاق افتاد و البته، ده‌ها بار پیچیده‌تر از آن. دشمن برای فریب افکار عمومی، میرحسین موسوی (فراماسون در آب نمک خوابانده) را با تابلوی «نخست‌وزیر دوران امام»! به صحنه آورد. مثلث آمریکا، انگلیس و اسرائیل در فتنه ۸۸ به میرحسین موسوی همان نقش را داده بودند، که ابن‌زیاد به شریح قاضی داده بود. «شریح قاضی» با تابلوی «قاضی دوران امیرالمؤمنین» و میرحسین با تابلوی «نخست‌وزیر دوران امام». حالا نوبت پاسخ به این پرسش است که چرا قوم هانی در آن روز فریب ابن‌زیاد را خوردند و ادعای شریح را واقعی پنداشتند، اما مردم ایران فریب آمریکا و اسرائیل را نخوردند و خیلی زود متوجه شدند تابلویی را که میرحسین و خاتمی به نمایندگی از دشمن سر دست گرفته‌اند، قلابی است. چگونه؟...

۴- سؤالی که باید و انتظار می‌رفت به ذهن قوم هانی خطور کند و متاسفانه نکرد، این بود که باید از شریح قاضی می‌پرسیدند؛ آقای قاضی دوران امیرالمؤمنین علیه‌السلام در کاخ ابن‌زیاد چه می‌کنی؟! اگر همچنان بر عهد خود با علی هستی، چرا به استخدام دشمنان تابلودار و قسم‌خورده حضرتش درآمده‌ای؟!... این سؤال اما، در فتنه ۸۸ به ذهن و فکر مردم ایران خطور کرد که آقای نخست‌وزیر دوران امام، اگر برعهد خود با امام راحل ایستاده‌ای، چرا در توطئه‌ای که رسماً و علناً از سوی مثلث آمریکا و انگلیس و اسرائیل مدیریت می‌شود به بازی گرفته شده‌ای؟! مردم ایران از امام راحل خود -رضوان‌الله تعالی علیه- آموخته بودند که «میزان حال فعلی افراد است» و به وضوح می‌دیدند که میرحسین موسوی و محمد خاتمی -برفرض که پیش از آن در مسیر اسلام و انقلاب بوده‌اند- امروز نیستند و به عواملی در خدمت دشمنان اسلام و انقلاب تغییر هویت داده‌اند. کاش قوم هانی نیز می‌دانستند که میزان حال فعلی افراد است و فریب شریح قاضی را نمی‌خوردند.

۵- نکته یاد شده، دقیقا همان است که امروز نمایندگان محترم مجلس در ارزیابی صلاحیت وزرای پیشنهادی باید مورد توجه قرار دهند تا سره را از ناسره جدا کنند و در پی آب به سوی سراب نروند! ممکن است گفته شود که فلان وزیر معرفی شده اگرچه سابقه سیاهی در مخالفت با اصول و مبانی نظام داشته است ولی اکنون بر اعتقاد و التزام به مبانی و اصول نظام تاکید می‌ورزد! و از آنجا که حضرت امام فرموده‌اند میزان حال فعلی افراد است، می‌توان صلاحیت او را تایید کرد! که باید گفت؛

اولاً: سخن حضرت امام درباره کسانی است که سابقه خوبی داشته‌اند ولی بعدها به هر علت از دایره مبانی نظام بیرون رفته و با آن زاویه گرفته‌اند.

ثانیاً: حضرت امام درباره به کارگیری افراد بدسابقه در پست‌های حساس و کلیدی نیز نهی جداگانه‌ای دارند. یعنی اگر سابقه سیاهی داشته باشد و بعدها خود را اصلاح کرده باشد نیز نباید جانب احتیاط را از دست داد و او را در پست‌های حساس و کلیدی به کار گرفت.

ثالثاً: ادعای این یا آن وزیر معرفی شده درحالی که به رای نمایندگان نیاز دارد، با هیچ منطق عقلی و شرعی و حقوقی پذیرفته نیست و تأیید صلاحیت افرادی با این ویژگی اگر خیانت به نظام و رای مردم و شکستن سوگند نمایندگی نباشد، که هست! نوعی ساده‌لوحی است که از یک نماینده مجلس بعید و دور از انتظار است و این سؤال را پیش می‌کشد که شخصی تا این اندازه ساده‌لوح چرا به خانه ملت آمده و مسئولیت سنگین نمایندگی مردم را به دوش گرفته است؟!

۶- دور از انصاف است اگر گفته نشود که رئیس‌جمهور محترم در انتخاب و معرفی وزیران یکسویه عمل نکرده‌اند ولی برخی از آنها به هر علت، از جمله بی‌اطلاعی رئیس‌جمهور از سابقه و کارنامه آنها و یا مشاوره افراد بدسابقه و... کمترین صلاحیتی را برای تصدی پست وزارت که از بلندپایه‌ترین پست‌های نظام است، ندارند! کسی که ده‌ها توئیت و مصاحبه و بیانیه علیه مبانی و اصول نظام در کارنامه و عملکرد خود دارد، در فتنه آمریکایی اسرائیلی ۸۸ و آشوب‌های براندازانه پائیز ۱۴۰۱ فعالیت آشکار داشته است و در قتل ده‌ها انسان بی‌گناه سهیم بوده است و... چگونه می‌تواند به عنوان وزیر از مجلس شورای اسلامی که باید «عصاره ملت» باشد، رای اعتماد بگیرد؟!

۷- این روزها برخی از مدعیان اصلاحات به بهانه (بخوانید با اسم رمز) «وفاق ملی»! هرگونه مخالفت با این یا آن وزیر فاقد صلاحیت را مقابله با وفاق ملی می‌نامند و علیه نمایندگان مخالف‌کننده صفحه سیاه می‌کنند! این ترفند موذیانه در حالی است که پیشگیری از ورود افراد فاقد صلاحیت به کابینه، مصداق واقعی حمایت صادقانه از رئیس‌جمهور و دفاع خالصانه از وفاق ملی است و کسانی که به بهانه حمایت از رئیس‌جمهور و در پوشش دفاع از وفاق ملی از افراد فاقد صلاحیت حمایت می‌کنند، در دشمنی آشکار با رئیس‌جمهور محترم و خیانت بی‌پرده به وفاق ملی هستند. و این نکته واضح‌تر از آن است که به توضیح بیشتری نیاز داشته باشد.

۸- و بالاخره سخنی برادرانه با خواهران و برادران محترم نماینده در میان است و آن این که؛ شما عزیزان در آغاز کار به خداوند قادر متعال سوگند یاد کرده‌اید که پاسدار حریم اسلام و نگهبان دستاوردهای انقلاب اسلامی ملت ایران و مبانی جمهوری اسلامی باشید و از ودیعه‌ای که ملت به شما سپرده به عنوان امینی عادل پاسداری کنید و... از این روی انتظار آن است که ضمن حمایت از وزارت افراد متعهد برای تصدی این پست‌های حساس، از ورود افراد فاقد صلاحیت و زاویه‌دار با مبانی انقلاب و نظام به جد و با همه توان جلوگیری کنید و در انجام این رسالت الهی از ملامت این و آن بیمی به دل راه ندهید و در یک کلام که ختم کلام است باید توجه داشت (و دارید) که «ناظر امروز، قاضی فرداست».

حسین شریعتمداری

کیهان بررسی کرده است

حمله به استقلال مجلس با اسم رمز «وفاق ملی»

موضوع رای اعتماد به وزرای پیشنهادی مهم‌ترین برهه در کل دوران ۴ ساله دولت به شمار می‌آید، مدعیان اصلاحات با سوءاستفاده از کلیدواژه «وفاق ملی» و حمله و زیر پاگذاشتن اصل تفکیک قوا و استقلال مجلس، سعی در مصادره حداکثری و زمینه‌سازی برای خواسته‌های جناحی خود در ادامه راه طولانی دولت چهاردهم دارند.

به دنبال پیروزی پزشکیان در انتخابات چهاردهم ریاست جمهوری، با تلقی اشتباه مدعیان اصلاحات درباره اینکه دولت پزشکیان فرصت جدیدی برای مطامع و خواسته‌های جناحی و فردی آنان است، موج جدیدی از تمامیت خواهی در میان این طیف با حمله به مخالفان شروع شد.

آنان بلافاصله پس از انتخابات با تشکیل سازوکار مبهم شورای به اصطلاح راهبری در اولین قدم سعی در غالب کردن افراد موردنظر خود به رئیس‌جمهور داشتند.

فشار حداکثری برای مصادره حداکثری دولت

این سازوکار در حالی تشکیل و با معرفی تعداد غالب توجهی از گزینه‌های خود به رئیس‌جمهور به کار خود پایان داد که اعضای این شورا با سوابق کاملا متضاد با منافع ملی، مصلحت ملی و وفاق ملی عامدانه یا ناآگاهانه در دولت‌های پیشین بزرگ‌ترین ضربه را به کشور و توسعه و پیشرفت اقتصاد ایران وارد ساخته بودند.

طیف تندرو مدعی اصلاحات و خود امیرکبیرپندارهای دولت روحانی، در اقدام و اتحادی هماهنگ با تکیه بر کلیدواژه وفاق ملی مورد استفاده در سخنان رئیس‌جمهور محترم و با سوءاستفاده از آن، طی روزهای اخیر با فشار شدید رسانه‌ای و لابی سنگین، مجلس را برای رای به تمام کابینه تحت فشار قرار داده‌اند و در پی مصادره حداکثری و زمینه‌سازی برای خواسته‌های جناحی خود در ادامه راه طولانی دولت چهاردهم هستند.

الیاس حضرتی، از مدعیان اصلاحات در راستای همین فشارها در گفت‌وگو با ایسنا عنوان داشت: انتظار می‌رود مجلس با نگاه به مصالح ملی با رای اعتماد به کلیه کابینه پیشنهادی به راهبرد وفاق ملی لبیک بگوید.

وی در ادامه اظهار کرد: جزو اختیارات قانونی مجلس است که به یک الی ۱۰ نفر از وزرای پیشنهادی رای اعتماد ندهد و آنها را کنار بگذارد؛ اما مجلس باید فراتر از اختیارات قانونی به موضوع نگاه کرده و مصالح ملی را نیز در نظر بگیرد. مصلحت ملی امروز ایران و نیاز ملی امروز کشور پیوستن به راهبرد وفاق ملی است.

جواد امام، یکی دیگر از فعالین طیف مدعی اصلاحات نیز در ادامه همین کارزار عنوان داشت: اگر بنا باشد مجلس با کابینه‌ای که رئیس‌جمهور معرفی کرده است با بی‌مهری برخورد کند دیگر نمی‌توان انتظار داشت وفاق ملی محقق شود.

مدعی دموکراسی هستند اما تفکیک قوا را قبول ندارند

نگاهی به سخنان فوق نشان می‌دهد که این طیف با دوگانه‌سازی و ارزش‌گذاری‌های شیطنت‌آمیز سیاسی سعی بر این دارند که مصلحت ملی و وفاق ملی را به رای اعتماد به کل کابینه تعبیر کرده و مجلس را در صورت انجام وظیفه و استفاده از اختیارات قانونی خود و تخطی از خواسته آنان ضد منافع ملی معرفی کنند.

آنان در حالی بر طبل دموکراسی خواهی می‌کوبند که اساسی‌ترین اصول دموکراسی یعنی اصل تفکیک قوا و استقلال نهاد قانون‌گذاری را زیر پا گذاشته و با طرح خواسته غیرمعمول و غیرعقلانی رای به تمام کابینه و نشر اکاذیب در همین راستا، سعی بر فشار بر نمایندگان مردم در مجلس دارند.

مدعیان اصلاحات، از فردای انتخابات با همین تمامیت‌خواهی و دیکتاتورمسلکی و در حالی که دولت چهاردهم با کسب ۱۶۳۸۴۴۰۳ رأی؛ (کمترین میزان رأی از کل واجدین شرایط رأی) حداقلی‌ترین دولت در تاریخ پس از انقلاب به شمار می‌آید، با حمله به مخالفان خواستار قلع و قمع هر نماینده و مسئول و هر فردی شدند که کوچک‌ترین مخالفتی با آنان داشته و دارد.

آنان پا را از این هم فراتر گذاشته و حتی در مقاطعی پزشکیان را نیز به دلیل عدم پیروی از تصمیمات و سیاست‌هایشان، آماج حمله قرار دادند.

مدعیان اصلاحات در حالی خود را حامی و خواستار وفاق ملی معرفی می‌کنند که در هشت سال دولت‌های نهم و دهم و سه سال دولت شهید رئیسی، نه تنها به قانون تمکین نکرده، که از هرگونه سنگ اندازی در راه این دولت‌ها دریغ نکردند.

بدهکاران وفاق ملی در فتنه ۸۸ امروز طلبکار شده‌اند

افرادی که امروز به دروغ از وفاق ملی می‌گویند، در انتخابات سال ۱۳۸۸ نیز با عدم تمکین به نظر و رای ملت، در خیانتی آشکار درست وفاق ملی را خدشه دار کرده و شیرینی حماسه حضور ۸۵ درصدی ملت ایران را به کام ملت تلخ کردند.

مدعیان اصلاحات گرچه امروز از وفاق ملی صحبت کرده و از این کلید واژه رئیس‌جمهور سواستفاده می‌کنند، در دهه هشتاد فقط به دلیل کینه از دولت‌های نهم و دهم با رویکرد خائنانه تحریم بیشتر کشور را از دشمنان خواستار شدند.

ملت ایران واقعه تلخ و خیانت‌بار تحصن مجلس ششم را فراموش نمی‌کنند و ادعای وفاق ملی را از زبان افرادی که در وقایع ضد وفاق مجلس ششم حضور داشته‌اند، نمی‌پذیرند.

در سمت دیگری از کارزار فشار حداکثری مدعیان اصلاحات بر مجلس، آنان به واسطه لابی‌گران در پشت پرده، از یکسو در حال انتشار دروغی با مضمون تایید تمامی وزرا توسط رهبری هستند و از سویی دیگر، با تکیه بر همین دروغ، نمایندگان مخالف برخی از وزرای پیشنهادی را که کارنامه‌ای مردود در بزنگاه‌های سیاسی داشته‌اند، به عدم ولایتمداری متهم می‌کنند.

طنز تلخ ولایتمداری مدعیان اصلاحات

یکی از طنزهای تلخ عصر حاضر، ادعای ولایتمداری و وفاق ملی از سوی افرادی است که در فتنه ۸۸ و ۱۴۰۱ دقیقا ولایت فقیه را هدف حملات خود قرار داده و وفاق ملی را دستمایه آشوب‌آفرینی‌های خود کردند.

باید از این طیف و این افراد پرسید که کدام‌یک از حکومت‌ها و نظام‌های سیاسی دنیا با افرادی که صراحتا قصد براندازی خود را اعلام کرده‌اند، همدلی و وفاق دارد؟ نگاهی گذرا به کارنامه این افراد نشانگر این است که در تمامی آشوب‌ها و فتنه‌های چند دهه اخیر، از وقایع ۷۸ تا فتنه ۱۳۸۸ و آشوب‌های ۹۸ و ۱۴۰۱، مدعیان اصلاحات یا عاملیت این بحران آفرینی‌ها را بر عهده داشتند یا سعی در بهره‌برداری از این بحران‌ها و آشوب‌ها داشتند.

به طور کلی باید علت این رفتار مدعیان اصلاحات و خودامیرکبیرپندارهای دولت روحانی را در آگاهی آنان به عدم رای اعتماد احتمالی مجلس شورای اسلامی به افرادی دانست که در بزنگاه‌های تاریخی همچون فتنه ۱۳۸۸ و وقایع مجلس ششم نه تنها از مواضع ضد وفاق ملی دریغ نکردند که پس از این وقایع نیز هیچ‌گاه پشیمانی خود را از مواضع و رفتارهایشان در آن دوران ابراز نداشتند.

گفت و شنود

دموکراسی!

گفت: این آقای امیرحسین ثابتی، نماینده مجلس مگر چه گفته بود که مدعیان اصلاحات با همه توان و همه رسانه‌های داخلی و هم‌پیمان‌های خارجی خودشان به او حمله کرده‌اند؟!

گفتم: بنده خدا نظرش را درباره انتخاب آقای عراقچی برای وزارت خارجه گفته بود و بعد هم در اوج جوانمردی و ادب گفته بود اگرچه بنده مخالف وزارت شما هستم ولی اختیار با مجلس است و اگر شما را انتخاب کنند با تمام توان در خدمتتان خواهم بود.

گفت: حالا صرفنظر از این که آقای عراقچی برای وزارت خارجه مناسب باشند یا نباشند، ایشان به عنوان یک نماینده نظرش را گفته است و آقای عراقچی هم پاسخ خود را مطرح کرده است، این غربگداها و مدعیان اصلاحات که این همه واژه دموکراسی و ضرورت گفت‌وگو را بلغور می‌کنند، چرا به او حمله‌ور شده‌اند؟!

گفتم: ای عوام برای مدعیان اصلاحات دموکراسی کیلویی چنده؟! برای آنها وزارت آقای عراقچی هم مطرح نیست. از آشکار شدن هویت مهره اصلی خود می‌ترسند. به او حمله می‌کنند تا برای دیگران عبرتی باشد و کسی به سراغ مهره اصلی آنها نرود!

گفت: پس چرا این همه از دموکراسی و آزادی بیان حرف می‌زنند؟!

گفتم: از یارو پرسیدند آزادی بیان یعنی چی؟ گفت یعنی وقتی با من حرف می‌زنی دهنت را ببند!

امیر سرتیپ حیدری در یادواره سرلشکر شهید محمود امان‌اللهی:

فضای زیاده‌خواهی را از آمریکا و رژیم صهیونیستی گرفته‌ایم

فرمانده نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران گفت: یکی از پایه‌های نگه داشتن خط ولایت، گرامیداشت یاد شهدا است چون شهدا به نظام قوت بخشیده‌اند و ما از همین مسیر تولید قدرت کردیم، در مقابل زورگویان و در راس آنها آمریکا و رژیم صهیونیستی ایستاده‌ایم و فضای زیاده خواهی را از آنها گرفته‌ایم.

نخستین یادواره سرلشکر شهید محمود امان‌اللهی، شهید محوری سال ارتش جمهوری اسلامی ایران و تجلیل از آزادگان نیروی زمینی ارتش برگزار شد. در این یادواره، امیر سرتیپ حیدری، فرمانده نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران گفت: امروز در رکاب رهبری مفتخریم سه اصل ولایتمداری، عدالت محوری و شایسته‌سالاری را جزو اصول محوری نیروی زمینی ارتش قرار داده‌ایم و به ولایتمداری پررنگ‌تر از هر عاملی توجه می‌کنیم.

به گزارش ایسنا، فرمانده نیروی زمینی ارتش ادامه داد: یکی از پایه‌های نگه داشتن خط ولایت، گرامیداشت یاد شهدا است چون شهدا به نظام قوت بخشیده‌اند و ما از همین مسیر تولید قدرت کردیم، در مقابل زورگویان و در راس آنها آمریکا و رژیم صهیونیستی ایستاده‌ایم و فضای زیاده‌خواهی را از آنها گرفته‌ایم.

وی همچنین اظهار کرد: شهید محمود امان‌اللهی حیاتش امیدبخش بود و شهادتش به دیگران زندگی بخشید. امیرسرتیپ دادبین نیز در این مراسم خاطراتی از شهید امان‌اللهی بیان کرد.

همچنین، سردار احمدرضا رادان، فرمانده فراجا در این یادواره گفت: برجستگی‌های خاص شهید امان‌اللهی در ارتش، سپاه، بسیج و نیروی انتظامی او را زبانزد خاص و عام کرد.

وی افزود: سپاه سردشت و ارتفاعات سردشت اثربخشی او را گواهی می‌دهند چون هر جا وارد می‌شد اثرگذار بود. در نیروی انتظامی نیز خدمت بی‌منت را به همرزمانش در کردستان یاد داد. امان‌اللهی نمی‌نشست مردم به او مراجعه کنند. شهادت می‌دهم امان‌اللهی از قبل از شهادت پدرش تا نظامی‌گری لحظه‌ای برای خودش و خانواده‌اش قدم برنداشت تا به مردم خدمت کند و گره‌گشا مشکلات مردم باشد و همین کارها او را در بین مردم محبوب کرد.

سردار اسماعیل احمدی مقدم، رئیس دانشگاه عالی دفاع ملی نیز در این یادواره بیان داشت: شهید امان‌اللهی الگویی برای رزمندگان امروز است.

اسماعیل زارعی کوشا، استاندار کردستان هم گفت: درخت وحدتی که امثال شهید امان‌اللهی غرس کردند هر روز ثمر جدیدی می‌دهد و ما را به راهبردهای رهبری نزدیک می‌کند. کردستان هر روز سربلندتر از دیروز است و همه توطئه‌ها به نتایج قابل افتخار تبدیل شده است.

سرهنگ محسن صادق‌نیا، مدیرکل حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران نیز بیان داشت: امروز نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران و فرماندهی ولایتمدار آن با افتخار میزبان خانواده‌های معظم شهدا، جانبازان، ایثارگران و عزیزانی است که مدال افتخار جانبازی و جانفشانی برای وطن را بر گردن دارند.

سرهنگ صادق‌نیا گفت: در جریان جنگ تحمیلی نزدیک به ۳۸ هزار اسیر ایرانی در مقابل ۴۰ هزار اسیر عراقی آزاد شدند، اما نکته مهم چهره بشاش اسرای عراقی و چهره غمگین و درددیده اسرای ایرانی هنگام تبادل است که دوربین‌های رسانه‌های داخلی و خارجی آن را به تصویر کشیدند.

در این مراسم، موحد امان‌اللهی فرزند شهید امان‌اللهی نیز خاطراتی از پدرش بیان کرد.

رونمایی از کتاب تقویم تاریخ دفاع مقدس (جلد ۶۱)، رونمایی از سردیس شهید امان‌اللهی و تجلیل از آزادگان ارتش از دیگر بخش‌های این یادواره بود. پیش از آغاز یادواره، پیکر یکی از شهدای دفاع مقدس تشییع شد.

خبر ویژه

۳ دروغ برای دور زدن مجلس که لو رفت

افراطیون مدعی اصلاحات، چند دروغ را با هم گفتند تا الزام قانونی درباره بررسی صلاحیت وزیران پیشنهادی در مجلس را دور بزنند:

- کابینه در هماهنگی کامل با رهبری بسته شده، بنابراین نیازی به ورود مجلس نیست(!)

- درباره یکایک وزیران پیشنهادی از وزارت اطلاعات، استعلام گرفته شده و بنابراین نیازی به بررسی مجدد مجلس نیست(!)

-اکثریت نمایندگان انقلابی، با تایید مطلق و دربستی کابینه مشکلی ندارند و فقط نمایندگان منسوب به جبهه پایداری مخالفت می‌کنند(!)

ادعای اول دروغ بود، چرا که رهبر انقلاب چند هفته قبل، صراحتا و موکدا از نمایندگان مجلس خواستند با عمل به قانون، ۱۲ شرط را در وزیران پیشنهادی احراز کنند.

همچنین آقای قالیباف، تذکر آقای رسایی را دقیق دانست و تایید کرد. رسایی گفت: «این ادعا که وزرا با تایید رهبری معرفی می‌شوند، درست نیست و قبلا دفتر رهبر انقلاب چنین موضوعی را تکذیب کرده‌اند.»

دروغ بودن ادعای دوم هم آشکار شد؛ آنجا که آقای کوثری، دیگر نماینده مردم تهران گفت: «آقای خطیب وزیر اطلاعات، در جلسه کمیسیون امنیتی اعلام کرد دست ما برای اعلام استعلام وزرا بسته است، و ما فقط تابعیت و محکومیت قضائی را اعلام می‌کنیم.» ضمن این که استعلام، حتی اگر جامع و فراگیر بود و به دو مورد مذکور محدود نمی‌شد، ناظر به سوء سابقه و تخلفات افراد است و نه بررسی کفایت و کارآمدی آنها.

ادعای سوم هم، به چند دلیل دروغ است: اول این که نه آقایان ثابتی و رسایی عضو جبهه پایداری نیستند. ثانیا در حالی که امثال رسایی و ثابتی در انتخابات، لیستی جدا از فهرست شانا (تحت عنوان ائتلاف امناء) ارائه کرده بودند، جبهه پایداری اتفاقا همراه با ائتلاف شانا بود و فهرست مشترک ارائه کرده بود. ثالثا و مهم‌تر از همه، این که «فتنه، خط قرمز است»، خط قرمز شرعی و عقلی نظام در دفاع از جمهوریت و اسلامیت است و نوع نمایندگان منسوب به جبهه انقلاب، آن را خط قرمز خود می‌دانند، نه این که خط قرمز یک حزب و گروه خاص باشد.

این که نامزد پیشنهادی برای تصدی وزارت بهداشت، در فتنه سال ۱۳۸۸ از شورش اشرافیت غربگرا علیه جمهوریت و اسلامیت حمایت نموده و در فتنه صهیونیستی سال ۱۴۰۱ نیز هیزم‌کشی می‌کرده، و امثال او در مظلومیت شهدایی مانند روح‌الله عجمیان و آرمان علی‌وردی و ده‌ها شهید دیگر شریک بوده‌اند، خیانتی نیست که بشود با راه انداختن دعواهای حیدری- نعمتی میان نمایندگان منسوب به جبهه انقلاب پوشانند. همین طور است سوء سابقه فرد پیشنهادی برای وزارت تعاون و کار و رفاه، به واسطه همراهی با تحصن مجلس ششم و امضای نامه تسلیم‌طلبانه در برابر فشارهای آمریکا.

اینها که گفته شد، علاوه بر صلاحیت‌های فنی و تخصصی یکایک وزیران پیشنهادی است که باید از سوی نمایندگان مجلس احراز شود و قابل مسامحه و چشم‌پوشی و سهل‌انگاری نیست.

بایدن که می‌گفت تضمین نمی‌دهم اما امتیاز بیشتر از برجام می‌خواهم!

روزنامه هم‌میهن می‌گوید بعد از ترامپ، شانس با ایران یار بود که بایدن آمد و قابل تصور بود که برجام به سرعت احیا شود ولی مجلس قبلی پیشدستی کرد و در سال اول خود قانون اقدام راهبردی را تصویب کرد(!)

این روزنامه در تحلیلی نوشت: «همیشه زخم‌هایی هست که اگر به هر دلیلی نتوان یا نخواست آنها را درمان کرد آن زخم‌ها ناسور شده و به اطراف سرایت می‌کند و بدخیم و غیرقابل درمان می‌شوند. مذاکرات مجلس در دو موضوع برجام و اعتراضات ۱۴۰۱ نشان داد که با دو زخم ناسور مواجهیم؛ دو زخمی که ناشی از نداشتن وفاق و همدلی ایجاد شد و به مرور عمیق و عمیق‌تر گردید؛ به‌طوری که اکنون غیرقابل حل به نظر می‌رسند. مسئله و زخم برجام روشن است. برجام یک پیروزی ملی بود که نابخردی دو طرف داخلی در کنار خلف وعده آمریکا آن را از حالت پیروزی خارج نمود.

اشتباه دولت این بود که برجام را منحصر به دولت نمود و از این طریق مخالفان داخلی خود را در گوشه رینگ قرار داد. هنگامی که برجام دستاورد یک گروه شد ضربه‌پذیری آن در داخل و خارج بیشتر شد و ضربه نهائی را ترامپ زد. ولی شانس با ایران یار بود که بایدن آمد و قابل تصور بود که برجام به سرعت احیا شود ولی مجلس قبلی پیش‌دستی کرد و در سال اول خود قانون اقدام راهبردی را تصویب کرد. اگر این قانون مغایر با برجام نبود نیازی به تصویبش نبود و اگر مغایر بود به‌طور طبیعی مانع احیای برجام می‌شد و شد، به امید اینکه با آمدن آقای رئیسی از موضع قدرت، امتیازات بیشتری بگیرند و در داخل خودی نمایش دهند که نتیجه شکست آنها پیشاپیش معلوم بود.

آنان مانعی را که برای احیای برجام در دولت روحانی ایجاد کردند خودشان هم پشت آن مانع متوقف شدند و در نهایت و در عمل برجام به حاشیه رفت. اکنون و در جریان رای اعتماد به وزرای پیشنهادی این بحث دوباره زنده شده درحالی‌که اکثریت قاطع مخالفان دیروز؛ امروز حسرت آن را می‌خورند. فقط اندکی از تندروهای غیرمسئول هستند که سروصدا می‌کنند.

زخم دوم نیز اعتراضات ۱۴۰۱ است. اعتراضاتی که ناشی از باز شدن زخم کهنه مواجهه نادرست و تحقیرآمیز با زنان بود؛ زخمی که آتش آن دو ماه پیش از اعتراضات در دولت تهیه و ریخته شد؛ زخمی که موجب شکل‌گیری یک شکاف و حفره بزرگ میان جامعه و حکومت شده است و آثار آن را در میزان مشارکت در انتخابات اخیر به‌خوبی دیدیم. مسئولیت مستقیم این زخم هم متوجه کسانی است که حاضر نیستند از سیاست‌های نادرست خود دست بردارند.

این دو زخم جدی است. برای اینکه بدانیم چقدر اهمیت دارد کافی است که بگوییم نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد که در میان مجموعه مشکلات کشور بیش از ۵۰ درصد مردم امیدی به حل مسئله تحریم از سوی آقای پزشکیان ندارند. درحالی‌که این ناامیدی در حوزه‌های دیگر کمتر است. جالب اینکه رفع تحریم یکی از اولویت‌های بالای دولت از نظر مردم باید تلقی شود. نتیجه این دو پاسخ مردم، روشن است.

تحلیل هم‌میهن در حالی است دولت بایدن بنا نداشت به برجام برگردد بلکه با وجود ابراز تاسف از خروج ترامپ، این خروج را ابزار فشار بیشتر به ایران برای گرفتن امتیازهای بیشتر می‌دانست و به همین دلیل، فراتر از برجام، مدعی برجام پلاس بود تا از طریق آن، امتیازت جدیدی را هم در حوزه برنامه نظامی و نفوذ منطقه‌ای از ایران بگیرد. در عین حال، دولت بایدن حاضر نبود تضمین معتبر بدهد و تعهد کند که تحریم‌ها را لغو می‌کند و دوباره توافق را زیر پا نمی‌گذارد.

موضوع مهم‌تر این است که دولت اوباما از همان دی‌ماه سال ۱۳۹۴- که دولت روحانی ظرف دو ماه انجام همه تعهدات خود را به انجام رساند و نوبت تعهدات طرف غربی رسید- به نقض تدریجی تعهدات خود پرداخت و پس از آن هم دولت ترامپ با دیدن انفعال دولت روحانی در مقابل تحریم‌های جدیدی مثل ویزا و آیسا، جرئت کرد تمام تعهدات آمریکا را نقض کند و از برجام خارج شود سپس دولت بایدن روی کار آمد و ۹ ماه فرصت داشت تا تخلفات اوباما و ترامپ را جبران کند اما همان گونه که گفته شد به گروکشی بیشتر پرداخت. در چنین شرایطی و در حالی که طرف غربی از ابتدای سال ۱۳۷۹ تا آذر ۱۳۹۹ مشغول فرصت‌سوزی و بی‌اعتنایی به حقوق ایران بود، مجلس یازدهم قانون اقدام متقابل را تصویب کرد تا دست طرف مذاکره‌کننده پر باشد.

در موضوع اغتشاشات پاییز ۱۴۰۱ نیز که هم‌میهن از آن به عنوان اعتراضات یاد می‌کند، باید پرسید شرارت و آدم‌کشی و آتش‌افروزی و اقدامات تروریستی و رعب‌افکنی و تهدید کسبه برای تعطیل اجباری مغازه در کنار میدانداری گروهک‌های تجزیه‌طلب و تروریست چه ربطی به مردم و مطالبات‌شان دارد. به همین علت هم هست که آن فتنه صهیونیستی آمریکایی با عدم همراهی مردم بلکه قیام عمومی در برابر اشرار تروریست به شکست منتهی شد. در این میان باید بررسی کرد که چرا یک روزنامه مدعی اصلاح‌طلبی پروژه تروریستی مشترک موساد و سیا را اعتراضات مردمی نام می‌گذارد؟

بازداشت چند صهیونیست دیگر به اتهام همکاری با ایران

یک تبعه رژیم صهیونیستی به اتهام همکاری با یک مأمور اطلاعاتی ایران از طریق تلگرام در مقابل دریافت ارز دیجیتال، دستگیر شد.

روزنامه صهیونیستی تایمز اسرائیل با انتشار این خبر نوشت: این مرد اسرائیلی با نام «ادن داباس» متهم شده که برای مأمور اطلاعاتی ایران، کارهای تبلیغاتی و عملیاتی انجام می‌داده است. او پلاکاردهایی با محتوای ضد اسرائیلی را در معابر نصب کرده و گزارش اقدام خود در این‌باره را برای طرف ایرانی فرستاده است.

دادستانی اسرائیل اعلام کرد که این شهروند اهل «رامات گان» دیروز به علت ارتباط با یک مأمور ایرانی و دریافت ارز دیجیتال در مقابل انجام برخی کارها بازداشت شده است. دادستانی می‌گوید متهم، دارای پروفایل‌های متعددی در پیام‌رسان تلگرام بوده و از این طریق با مأمور اطلاعاتی ایران تماس داشته است. مأمور ایرانی وظایفی را به داباس محول کرده و به او دستور داده تا لباس مبدل بخرد، و ارتباط خود را مخفی نگه دارد و پیام‌های رد و بدل شده در چت‌هایش را پاک کند.

روزنامه صهیونیستی با اشاره به تکرار روند استخدام جاسوس از سوی ایران می‌افزاید: اتهامات مشابهی در ماه‌های اخیر علیه چند اسرائیلی دیگر مطرح شده است. ارتباط بین داباس و مأمور ایرانی از دو ماه قبل آغاز شده و تا ماه آگوست ادامه یافته است. داباس طی این دو ماه، چند هزار دلار ارز دیجیتال دریافت کرده است. او از اولین تماس می‌دانسته که با م